

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان
۲۳ می ۲۰۱۲

تحریم اقتصادی ایران توسط کنگره امریکا، یک اقدام جنگی است

تحریم اقتصادی ایران یک اقدام غیر قانونی و ضد بشری و یک اقدام جنگی است. این تصمیمات، تصمیمات کنگره امریکاست که به همه جهان با قلدری و زورگوئی تحمیل شده است. این اقدام ربطی به مصوبات شورای امنیت که تاکنون چهار عدد آن، به صورت غیر قانونی علیه ایران صادر شده است، ندارد.

در حقیقت شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحریم اقتصادی ایران و تحریم مبادلات ارزی با ایران را نپذیرفت و مورد تأیید قرار نداد. زور امپریالیست امریکا با فشار بی حدی که به اعضای شورای امنیت و به ویژه به نماینده بوسنی هرزه گوین وارد کرد، تا علیه ایران رأی دهد، بیش از این نرسید. آنچه را که شورای امنیت تأیید نکرد، امپریالیست امریکا خودش در کنگره اش تصویب کرد و به سایر امپریالیستها از جمله اتحادیه اروپا توسط همدستانش تحمیل نمود. رسانه های صهیونیستی و امپریالیسم رسانه ای در جهان، طوری تبلیغ می کنند که گویا این اقدامات ضد قانونی و ضد بشری، تصمیم سازمان ملل متحد است. امپریالیست امریکا به تدریج سازمان ملل متحد را منحل می کند و تصمیمات خودش را به جای تصمیمات سازمان ملل جا می زند و جا می اندازد و آن را طبیعی جلوه می دهد.

مشتی ایرانی خود فروخته نیز هستند که از این اقدام ضد بشری که در ماهیت خود نه تنها علیه ایران، بلکه علیه همه ممالک تحت سلطه جهان اند، حمایت می کنند. برخی واقعاً همدست ارتجاع جهانی و عمال مزدور آنها هستند و پاره ای نیز از شدت نفرت به حقی که نسبت به این رژیم دارند، متأسفانه بصیرت سیاسی خویش را از دست داده اند. آنها نمی بینند که چه جنایتی در جهان در شرف وقوع است و چه قوانینی دارد به جهان به عنوان اعمال طبیعی و به بهانه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی تحمیل می شود. اطراف خود را دیدن و جهان را ندیدن فاجعه به بار می آورد. نه اطراف را پاکیزه می کند و نه خدمتی نسبت به پاکیزگی جهان است.

در اثر تحریمهای اقتصادی نه غذا به ایران وارد می شود و نه دارو. در ظاهر امر چنین است، که محاصره اقتصادی ایران، شامل غذا و دارو نمی گردد، بلکه آنطور که ادعا می شود، تنها کالاهای دو منظوره را در بر می

گیرد. ولی امپریالیستها، موزیانه، در عمل ساز و کاری ایجاد کرده اند، که در عین حفظ شکل حقوقی کار، به مردم ایران گرسنگی بدهند و همه کالاها را شامل تحریم گردانند و میلیونها ایرانی را مانند مردم عراق در دوران حکومت صدام حسین و مردم نوار غزه بعد از انتخابات دموکراتیک و پیروزی حماس در فلسطین را، به مرگ از طریق گرسنگی محکوم نمایند. آنها می خواهند ایران را در محاصره اقتصادی بگیرند و مردمش را به بهانه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، به قتل برسانند. طبیعی است که به این ترهات و پندارهای ابلهانه که گویا گرانی و قحطی و گرسنگی، همراه با تبلیغات فیسبوک Facebook و اینترنت و فعالیت تروریستی و یا تجزیه طلبانه چند سازمان سیاسی جاسوس امپریالیستها در ایران، تضمین محکمی برای موفقیت یک طغیان عمومی برای استقرار دموکراسی در ایران به وجود می آید، نمی توان گوش فرا داد و احمقانه و بنادرستی بدان دل بست. این اقدام امپریالیستها و مدعیان حمایت از حقوق بشر، یک اقدام جنگی علیه ایران است. جنگ علیه ایران با ابزار جدید آغاز شده است و حزب ما نام این جنگ گاه پنهان و گاه آشکار را **جنگ فرسایشی** نامیده است. از هم اکنون یافتن دارو در ایران با مشکل روبرو شده و هزاران نفر در روز در اثر بی دارویی و فقدان وسایل لازم پزشکی جان می دهند. گرانی غوغا می کند و میلیونها زندگی را بر باد می دهد. مسئولیت مستقیم این امر بر گردن زورگویی و قلداری امپریالیستهاست. بر گردن کسانی است که گرگ صفات در لباس میش از حقوق بشر و صلح دم می زنند، ولی در پناه تبلیغات سراسری و ساختگی، هم ابزار جدید شکنجه اختراع می کنند و هم حجم تسلیحاتشان از دوران جنگ سرد نیز بیشتر شده است.

نشریه المانی کلنر اشتات انسایگه مؤرخ ۳ اپریل ۲۰۱۲ تحت عنوان "گمرک سم اعدام را توقیف کرد" به کالائی اشاره می کند، که باید به ایران صادر می شده و مأمورین گمرک المان به موقع از ماهیت آن با خبر شده و این کالا را توقیف کرده اند. مخبر با صحنه سازی و داستانپردازی جنائی کوشیده تا از یک کشف عظیم پرده بردارد. حال به اصل خبر مراجعه کنیم.

"کلن. گمرک بن از صدور ۵.۲ کیلو گرم ماده سمی دارویی شناخته شده برای اعدام، به مقصد ایران جلوگیری کرد. بنا بر اطلاع اداره مرکزی گمرک کلن، این محمولات شامل ۵۰۰۰ بطری های کوچک بوده اند. ماده تیوپنتال در فهرست داروهائی قرار دارد که برای شکنجه به کار می روند. صدور آنها به خارج، تنها با اجازه ویژه اداره فدرال برای اقتصاد و نظارت بر صادرات المان به خارج، مقدور است. این اجازه در دست نبود.

گردپلینست سخنگوی اداره مرکزی گمرک کلن در پاسخ به پرسش ما گفت: "ماده سمی به عنوان دارو معرفی شده بود و باید ۱۹ ماه مارچ به ایران صادر می شد. یکی از کارکنان ما به کارخانه تولید دارو رفت و کالا را از نزدیک مورد دقت قرار داد. معلوم شد، که کارخانه فاقد اجازه ویژه صدور این کالا است". اساساً صدور چنین ماده هائی قدغن نیست. اما گیرنده ایران بود و دوزاری همکار ما به یک باره افتاد. شرکت صادر کننده، یک شرکت حمل و نقل در نزدیک بن است.

یک سخنگوی وزارت اقتصاد فدرال که اداره فدرال از توابع آن است، نخواست در این مورد اظهار نظر کند. ولی در وزارت امور خارجه گفته شد، چه خوب که نظام کنترل صدور کالا خوب کار می کند. زیرا موادی که امکان سوء استفاده را فراهم می کنند، نباید به ایران صادر شوند.

حرف مواد تیوپنتال در سال ۲۰۱۱ بر سر زبانها افتاد. آنهم از زمانی بود که اتحادیه پژوهشگران دارو ساز در المان اعلام کرد، که شرکتهای عضو شوق تقاضاهای مربوط به ارسال دارو به امریکا را، دیگر بی پاسخ خواهند گذارد. آن روز گفته می شد، نمی شود از استفاده تفسیر برانگیز از این دارو جلوگیری کرد."

تا اینجای خبر این احساس را در خواننده ایجاد می کند که حجم زیادی از یک مواد سمی که برای اعدام به کار می رود در گمرک کلن کشف شده که به صورت غیر قانونی به ایران صادر می شده است. این کالا گرچه نیاز به اجازه ویژه صدور ندارد، ولی چون پای ایران در میان است و کالا مشکوک است، باید برای آن تقاضای اجازه صدور ویژه نمود. گمرک المان سندی مبنی بر غیر قانونی بودن صدور این کالا به ایران ندارد، ولی چون نام ایران مطرح است، باید جلوی صدور کالا را به مقدار ۵.۲ کیلوگرم، درست خوانده اید ۵.۲ کیلو گرم بگیرد. البته روزنامه در یک جمله پیچیده به طوری که به گوشه قبابی امریکائی ها بر نخورد، گناه امریکائی ها را به گردن ایرانی ها می گذارد و می نویسد که پشت سر این دارو زمانی شروع به حرف زدن شد، که از این دارو در امریکا برای اعدام و شکنجه استفاده کردند و شرکتهای المانی از صدور غیر مجاز آن به امریکا به اساس قوانین موجود خودداری کردند.

حال برگردیم به واقعیات.

در فهرست داروهائی که شامل مقررات ضد شکنجه می شوند. نام این دارو برده شده است. این مقررات مصوب اتحادیه اروپاست. در این مصوبات آمده است "تجارت با موادی که برای اجرای حکم اعدام، شکنجه و یا رفتار و مجازات سبانه، غیر انسانی یا تحقیرگرانه می توانند مورد استفاده قرار گیرند" مجاز نیست. حال این ماده خطرناک که نباید به ایران برود چه ماده ای است و چرا این ماده تا قبل از این تحریم غیر قانونی به ایران و به همه جهان صادر می شده و همچنان صادر می شود، کسی نیست که به شما پاسخ دهد. کارشناسان پزشکی واضحتر صحبت می کنند. نام این ماده خطرناک که صدور ۵.۲ کیلوی آن به ایران در ۵۰۰۰ شیشه کوچک به صدور اجازه ویژه صادراتی نیاز دارد، داروی بیهوشی موضعی است و به ویژه برای زایمان خانمها به شیوه "سزارین" و یا جراحی های مشابه به کار می رود. درست فهمیدید. امپریالیستها از صدور داروی ضد درد، داروی بیهوشی، به ایران خود داری می کنند. امری که صدورش از زمان شاه تا کنون ایرادی نداشته است، به یک باره وجدانهای انسانی مأمورین گمرک المان را بیدار کرده است و مانع صدور این کالا شده اند. استدلال آنها نیز جالب است. پژوهشگران المانی در تحقیقات خود دیده اند، که امریکائی ها در امریکا، مقدار کمی از این مواد را به محکومان به اعدام بر روی صندلی الکتریکی تزریق می کنند، تا درد ناشی از جریان برق را راحتتر تحمل کنند. المانها به این کار نام "استفاده تفسیر برانگیز" داده اند که البته تفسیرش همیشه در دست تولید کننده است. چون در امریکا فرد محکوم به اعدام بر صندلی الکتریکی را با این ماده بیهوش می کنند، صدور آن به ایران نیز باید قدغن شود. استدلالی به این مضحکی دیده اید؟ مگر در ایران کسی را بر روی صندلی الکتریکی و یا با داروی بیهوشی می کشند، تا درد را احساس نکند؟ با این منطق باید صدور جرثقیل به ایران را قدغن کرد نه دارو برای بیهوشی موضعی را. با این منطق باید به ایران صدور داروهای درد آور را قدغن کرد و نه داروهائی که درد را از بین می برد و یا کم می کند. این واعظان در حقیقت هوادار زجر دادن به بیماران ایرانی هستند تا تسکین نیافته از زور درد بمیرند. آنها می خواهند مانع شوند که در بیمارستانهای ایران داروهای ضد درد و بیهوشی وجود داشته باشد تا عمل جراحی برای نجات جان ایرانی صورت نگیرد و آنوقت خودشان را در پشت کوهی از ریاکاری و احترام به حقوق انسانها پنهان می سازند. تحریمهای اقتصادی ایران یک جنگ فرسایشی علیه ایران است. جنگی که مدتهاست آغاز شده است و یک جنایت بزرگ علیه بشریت است. آنچه درد آور است، کمبود داروی بیهوشی و مسکن نیست، نوع تهوع آور استدلالی است که امپریالیستها می کنند تا از صدور آن جلو گیرند. کار آنها صحه بر جنایات و شکنجه است و نه مبارزه بر ضد شکنجه و نقض حقوق بشر.

برای سازمانهای اپوزیسیون جاسوس و همدست امپریالیست نیز " استفاده تفسیرانگیز " این داروها روشن است. هر چه کمتر به ایران صادر شود و مردم زجر بکشند، بخت "انقلاب" و روی کار آمدن این اپوزیسیون خود فروخته، در ایران افزایش می یابد. برای آنها این جنایت، "انقلاب" است و باید تحریم ایران و مجازات مردم میهن ما، مورد حمایت دنیا قرار گیرد. در نمایشات اعتراضی ضد جنگ که آنها در آن شرکت نمی کنند، به زعم آنها، باید پرچم "دستها از ایران کوتاه باد" را به دور انداخت و مدعی شد که بیگانگان! به ما برای "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" یاری رسانید. دستانتان پشت ما باد. تحریمها و مجازاتها را علیه مردم ایران ادامه دهید تا زمینه روی کار آمدن ما ستون پنجمی ها آماده شود.

ریاکاری امپریالیستها را بنگرید که ریش و قیچی را به دست گرفته اند و بر اساس مصالح خویش تفسیر می کنند. هر دارونی برای آنها سم است، اگر منافعشان ایجاب کند و هر سمی برای آنها دارو است، اگر منافعشان ایجاب کند. آلروز که گاز سمی به عراق می دادند که بر سر ایرانی ها بریزند و سازمان مجاهدین خلق برایشان دست می زد، منافعشان آنطور ایجاب می کرد و امروز منافعشان طور دیگر عمل می کند. کسانی که این ریاکاری و ریاکاران را شناسند، در گورستان تاریخ با بدنایمی دفن می شوند.

بر گرفته از توفان شماره ۱۴۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ ماه مه ۲۰۱۲، ارگان مرکزی حزب کار ایران

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت. www.toufan.org

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل). toufan@toufan.org